

مطالعه کیفی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر تداوم پدیده قاچاق

امید قادرزاده، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان*

احمد محمدپور، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

امید قادری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

چکیده

نوشتار حاضر بر اساس روش‌شناسی کیفی و با روش مردم‌نگاری، به بررسی درک و تفسیر مردم منطقه مرزی مریوان از تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر پدیده قاچاق انجام گرفته است. چارچوب مفهومی تحقیق به مثابه لنزی نظری، ترکیبی از رویکردهای انتقادی، کارکردی، و سازه‌گرایی است. یافته‌های تحقیق با تکنیک‌های مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و اسنادی گردآوری شده‌اند. با کمک روش نمونه‌گیری کیفی (از نوع نمونه‌گیری فرصت‌گرا یا ظهوریابنده) با ۲۷ نفر از مطلعان کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل گردد. در نهایت، داده‌ها با روش نظریه زمینه‌ای تحلیل و در قالب ۳۴ مفهوم اساسی و پنج مقوله عمده (تداخل کارکردی نهادی، بوروکراسی بغرنج و بازدارنده، آسیب‌مندی و ناکارآمدی سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها، نابسامانی موقعیتی، فشارهای برون‌ساختاری) کدگذاری شده و در مقوله هسته "تداوم تحول‌یافته پدیده قاچاق" تلخیص شده‌اند. نظریه حاصله در قالب مدلی ارایه و توأمًا از وضعیت بر ساخت شده نهایی، تبیینی انتقادی ارایه شده است.

واژه‌های کلیدی: بازارچه‌های مرزی، قاچاق، نظریه زمینه‌ای، شهرستان مریوان.

طرح مسأله

کنش‌های بشری به فراخور موقعیت‌های مکانی - زمانی و سطح تکنیک و معرفت افراد نیز، از تفاوت‌های محتوایی و صوری گسترده‌ای برخوردار است. تکثر کنش‌های آدمی نشان از گستردگی نیازها و ضرورت‌های او دارد و تعاملات اقتصادی و رفع نیازهای معیشتی، یکی از این مجموعه متکثر کنش‌های افراد است. این نیازهای معیشتی و زیستی بشر از دیرباز به تناسب تحولات مختلف هر اجتماعی، کنش‌های متفاوتی را نیز برای ارضای آنها به دنبال داشته است. قرار گرفتن بشر در مرحله‌ای که در آن رفع نیازهای زیستی جای خود را به سودآوری اقتصادی داده است و غلبه عقلانیت تعاملی و محوریت یافتن کنش‌های افراد بر مدار سودآوری اقتصادی، باعث شده تا بررسی کنش اقتصادی به یکی از بحث‌های اجتماعی عمده در اندیشه و مطالعات متفکران علوم اجتماعی و رفتاری مبدل گردد. مجموعه اصول و قواعدی که تعیین‌کننده چگونگی رفتارهای اقتصادی انسان‌اند و بسترهای مختلفی که صور مختلفی از کنش‌های رسمی و غیررسمی اقتصادی در آن صورت می‌گیرند، از بحث‌های اساسی‌ای است که علاوه بر یک فرد عادی، اندیشه اقتصاددانان و اندیشمندان مختلف را نیز به خود مشغول داشته است. بازار، بازارچه‌ها و مناطق آزاد تجاری از عینی‌ترین مکان‌های تعاملات اقتصادی افراد در قالب گسترده و کلان است. بازارچه‌ها در راستای تمهیدات سازمانی و غیرسازمانی، به مثابه یکی از بسترهای تحقق یافتن صورت‌های خاصی از کنش اقتصادی هستند که به منظور سامان بخشی به مناسبات غیررسمی اقتصادی و فرهنگی مرزنشین‌های دو طرف مرز برپا شده‌اند. با توجه به وسعت مرزهای زمینی (آبی و خشکی) ایران (۵۷۴/۸ کیلومتر) با کشورهای همسایه‌اش و نیز وجود تنوع‌های زبانی، قومی، مذهبی و

فرهنگی فراوان، بازارچه‌های مرزی (۵۴ بازارچه) در این نوارهای مرزی از اهمیت بالایی برخوردارند و نیازمند توجه و بررسی‌های ویژه هستند. تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کاهش پیامدهای منفی پدیده قاچاق و کنشگرانی تحت عنوان قاچاقچی و کولبر^۱، تقلیل حجم اقتصاد پنهان کشور، از جمله مسایل مهم بازارچه‌هاست که نیازمند بررسی و مطالعات مختلفی است. بر این اساس، با وجود دایر بودن یک بازارچه رسمی (باشماق^۲) و دو بازارچه موقت (ده‌روه‌ران^۳ و پیران^۴)، پدیده قاچاق در شهرستان مریوان همواره از اساسی‌ترین مسایلی است که در دوره‌های مختلف نهادهای مرتبط مسؤول را به خود مشغول داشته و از راه‌های گوناگون بر زندگی و پیرامون مردم منطقه تأثیرگذار بوده است. بررسی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر پدیده قاچاق در شهرستان مریوان موضوع اصلی این نوشتار است که سعی می‌شود به شیوه کیفی و بر اساس درک و تفسیر مردم همین منطقه بازسازی معنایی گردد. بر اساس این تحقیق، مردم منطقه همانند کنشگرانی خلاق می‌توانند نقش بازارچه‌ها در تحول و تغییرات قاچاق در شهرستان مریوان را درک و تفسیر نمایند و محقق درک و پیشا معرفت افراد را به عنوان بنیان تحقیق برای بررسی موضوع در نظر گرفته، تفسیرهای آنان را تفسیر مجدد می‌نماید.

اهمیت و اهداف مطالعه

پدیده قاچاق به مثابه یکی از مجموعه فعالیت‌هایی است که در ذیل اقتصاد پنهان^۵ تعریف می‌شود و در محاسبات ملی وارد نشده، از حیثه نظارت دولت می‌گریزد و از مؤلفه‌های فساد اقتصادی است که در جوامع در حال

^۱ Porter

^۲ Bashmagh

^۳ Darawaran

^۴ Piran

^۵ Surreptitious Economy

را در مریوان را به معضلی تبدیل کرده، ساخته و کارکرد بازارچه‌ها و تجارت مرزی را در تقلیل پدیده قاچاق مختل و ناکارآمد می‌سازند. لذا از اهم اهداف این تحقیق نیز این است که پدیده قاچاق را به پیروی از وجود بازارچه‌های مرزی در مریوان بررسی نماید و از دیدگاه و درک مردم منطقه به روشن‌تر شدن بیش از پیش موضوع و توان تحقق هدف کاهش پدیده قاچاق در پرتو راه‌اندازی و حضور بازارچه‌های مرزی اقدام کند. این هدف در صورت تحقق بررسی و روشن شدن علمی قضیه می‌تواند به ارایه چشم‌اندازی واقع بینانه‌تر به مردم منطقه و نیز همفکری بیشتر با مسئولان مرتبط در ارایه برنامه‌ها و سیاست‌های بهتر برای منطقه مثمرتر واقع شود.

پیشینه مطالعه

در خصوص پدیده قاچاق، کارهای انجام شده غالباً به بررسی تأثیرات و پیامدهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قاچاق (برای مثال، احمدی، ۱۳۸۱؛ نوری، ۱۳۸۷؛ مجد، ۱۳۸۷؛ اسماعیل‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷؛ نظری پور و معزی، ۱۳۸۹؛ محسنی، ۱۳۸۹؛ سلطانی، ۱۳۸۹) و یا عوامل مؤثر بر پدیده قاچاق، تأثیر بازارچه‌ها بر حمل و نقل، بررسی وضعیت و رویه‌های جاری بازارچه‌ها (آموسی و رحمانی، ۱۳۸۷؛ پیربوداقی، ۱۳۷۹؛ زنگی‌آبادی و آهنگری، ۱۳۸۹؛ عبدالله پور، ۱۳۸۴) پرداخته‌اند، لیکن کار مشترکی که توأمان به بررسی تأثیر بازارچه‌ها بر پدیده قاچاق پرداخته باشد، از سیمین ارمغان (۱۳۸۹) با عنوان «جایگاه بازارچه‌های مرزی در افزایش اشتغال و کنترل قاچاق استان‌های مرزی» است. به زعم نویسنده، توسعه بازارچه‌ها می‌تواند به کمرنگ شدن شکاف میان مناطق مرزی و مرکزی، عادلانه‌تر شدن توزیع قدرت و منزلت و ثروت؛ ارتقاء استانداردهای

توسعه به‌طور مضاعف مانعی در برابر توسعه بوده، حتی وابستگی‌های خارجی را نیز تشدید می‌نماید. کاهش فرصت‌های شغلی داخلی، کاهش درآمدهای دولتی، رکود و ورشکستگی صنایع داخلی، تداوم پولشویی، اختلال در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تأثیرات فرساینده بر توان اجرایی دولت، از جمله پیامدهای اساسی پدیده قاچاق است. با اذعان به رقم بالای مساحت مرزهای کشور (۸۵۰۰ کیلومتر)، وجود تنوع و تفاوت در ابعاد اقلیمی و جغرافیایی، فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی در مناطق مرزی که ۱۶ استان مرزی با حدود ۵۰ درصد از مساحت کل کشور را در بر می‌گیرد، دلایل متعددی مقوله مرز و ارتباطات میان مرزی در سطوح سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نموده است.

شهرستان مریوان به‌دلیل جایگاه استراتژیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن در همجواری با مناطق گردنشین عراق، و همچنین به دلیل برخورداری از سطح پایین توسعه‌یافتگی و حجم بالای جمعیت فعال و بیکار آن، پدیده قاچاق در آن تداوم پیدا کرده است و به همین جهت، از جوانب مختلفی نیازمند بررسی هر چه بیشتر است. بازارچه‌های مرزی که به عنوان یکی از منابع مهم تأمین معیشت مردم مناطق مرزی هستند و در بهبود امنیت منطقه نقش دارند، هرگونه سوء تدبیر و غفلتی می‌تواند از رسیدن به اهداف اساسی راه‌اندازی آنها بکاهد. از اساسی‌ترین اهداف ایجاد بازارچه‌های مرزی در مریوان، اشتغال و تأمین معیشت مردم منطقه، کنترل قاچاق کالا، افزایش امنیت مرزها و شکوفایی اقتصاد محلی، رونق مناطق شهری و روستایی محدوده‌های مرزی اعلام شده است (حسینی، ۱۳۸۹: ۱). با تمام ملاحظات و تدابیر اتخاذ شده از جانب نهادهای ذی‌ربط، باز هم مشکلات گوناگونی وجود دارند که پدیده قاچاق

سطح زندگی و معیشتی در نواحی مرزی، کاهش معضل بیکاری و اشتغال در نواحی مرزی و جلوگیری از قاچاق بینجامد. ارمغان، تحقق هدف کاهش پدیده قاچاق در مرزها را در پرتو ایجاد بازارچه‌ها و با شرط کاهش تعرفه‌های گمرکی بیان کرده است.

بر مبنای نتایج مطالعه نظری‌پور و معزی (۱۳۸۹) با عنوان «نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه و رونق اقتصادی مناطق مرزی (مطالعه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان)» که با نظرخواهی از کارشناسان آگاه و روش کمی انجام شده است، با وجود نقش بازارچه‌ها در بهبود وضع اقتصادی مردم منطقه، مرزنشینان این منطقه نقش و مشارکت فعالی در بازارچه‌ها ندارند و سیاست‌های حمایتی دولت از تولیدکنندگان و صادرکنندگان محلی پایین است. لذا بازارچه‌ها به طوری جدی فرایند توسعه را نشان نمی‌دهند و قوانین و مقررات بازنگری شده و مدونی در بازارچه حاکم نیست و سیستم آموزشی میان پبله‌وران و بازرگانان وجود ندارد. بر مبنای مطالعات مذکور، بازارچه‌ها با هدف کاهش پدیده قاچاق و افزایش اشتغال‌زایی در مناطق مرزی کشور توسعه پیدا کرده‌اند. با وجود این، در مطالعات موجود تجربه و درک مرزنشینان در باب تأثیر بازارچه‌ها بر ابعاد و روند پدیده قاچاق، به عنوان یکی از ابعاد اقتصاد پنهان، که هدف این بررسی است، مورد توجه قرار نگرفته است.

چارچوب مفهومی

غالباً تحقیقات اجتماعی به یکی از سه شیوه کمی^۱، کیفی^۲ و یا ترکیبی^۳ صورت می‌گیرند و هر کدام دارای بنیان‌ها و مواضع هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و

روش‌شناسی خاص خود هستند. در مطالعات کیفی، معمولاً به جای استفاده از مبانی نظری از چارچوب مفهومی^۴ برای استخراج سؤال یا سؤال‌های تحقیق استفاده می‌شود که معمولاً مجموعه مفاهیم به هم مرتبط و موضوعات عمده و مورد تمرکز هستند که در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند یافته‌اند و برای ایجاد حساسیت نظری - مفهومی برای کمک به باز بودن ذهن محقق نسبت به مسایل و مقوله‌های مورد پژوهش هستند. بر این اساس، چارچوب مفهومی این تحقیق، ترکیبی از رویکرد نظری انتقادی و سازه‌گرایی را در خود دارد. رویکرد انتقادی^۵ ضمن تأکید بر درک‌پذیر بودن واقعیت‌ها تاریخی و بسترمند بدن آنها را نیز تأیید نموده است. این پارادایم اگرچه همانند رویکرد بر ساختی واقعیت‌های اجماعی را به گونه‌ای در نظر می‌گیرد که در خلال زمان و تحت تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قومی و جنسیتی شکل گرفته‌اند، اما معتقد است که شرایط و ساختارهای محدودکننده‌ای^۶ وجود دارند که عقل سلیم را محدودش نموده، به آگاهی کاذب و درک نادرست و بیراهه رفتن واقعیت‌ها و تصنعی بودن آنها می‌انجامد و باعث می‌گردند تا افراد عادی واقعیت‌های اجتماعی پیرامون خود را متعارف و طبیعی انگاشته، نسبت به دگرگونی آنها و رهایی از انقیاد اقدام ننمایند.

تجارت مرزی، بازارچه‌ها و بازارهای آزاد، نماد و جلوه‌ای از درهم تنیدگی فضا و مکان و نفوذپذیر شدن مرزهای مختلف به شمار می‌آیند. غالباً در کشورهای در حال توسعه، در جریان مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی، به خاطر عدم انطباق بنیان‌های فلسفی و ساختاری اقتصادهای مدرن و اقتصاد بومی، پیکره‌ای دوگانه از

^۴ Conceptual Framework

^۵ Critical Paradigm

^۶ Cramping

^۱ Quantitative

^۲ Qualitative

^۳ Mix Method

رسیدن به آسایش و رفاه در فرهنگ پذیرفته شده است و از راه‌های گوناگون مدام بر اهمیت ابعاد مختلف این رفاه و تجملات در جامعه تأکید می‌شود، اما وسایل و راه‌های رسیدن به آنها محدود است (نبود بسترهای توسعه، ضعف ساختارهای صنعت و کشاورزی در منطقه و ...)، در نتیجه مردم منطقه از راه بدعت^۷ (قاچاق) می‌خواهند به این هدف برسند، لیکن در نظریات اخیرتر در مباحث جامعه‌شناسی افراد به مثابه کنشگرانی فعال و بازاندیش قلمداد می‌گردند که دارای ویژگی بازننگری در خود^۸ و در روابط پیرامونی خود هستند. در این‌گونه نظریات تلفیقی که ستیز عاملیت^۹ و ساختار^{۱۰} از بین می‌رود، نظر متفکران بر این است که افراد عاملیت‌های بازاندیش و تفسیرگر هستند که پاسخ‌های واکنشی صرف به محرک‌های پیرامون خود نمی‌دهند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۴۴-۱۵۱). فرد قاچاقچی در این دیدگاه‌ها کنشگری است که با لحاظ نمودن وضعیت معیشتی خود، شرایط اقتصادی منطقه و موقعیت اکولوژیک و ژئوپولیتیک منطقه به گونه‌ای بازاندیشانه عمل می‌نماید و تا زمانی که وضعیت ساختی منطقه عوض نشود، این نوع کنش‌ها و متعاقباً این نوع پدیده و مسایل (قاچاق) بازتولید خواهد شد. می‌توان گفت که قاچاقچی، به عنوان کنشگری با عادتواره^{۱۱} خاص، در یک میدان خاص که قواعد ویژه‌ای بر آن حاکم است، قرار گرفته و دست به کنش می‌زند. به سخنی دیگر، نقش و تأثیر عوامل و شرایط ساختاری در مناطق مرزی و میان مرزنشینان در شکل‌دهی به کنش (قاچاق) کنشگر (قاچاقچی) بیشتر است. به هر حال، آنچه اکنون عینیت می‌یابد، این است که کنش قاچاق از

اقتصاد مدرن و سنتی ظهور می‌کند. این پیکره دوگانه اقتصاد سنتی - مدرن در هر جامعه‌ای زیر مجموعه‌ای از اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی دوگانه رسمی^۱ و غیررسمی^۲ را در پی خواهد داشت. اقتصاد غیررسمی شامل، اقتصاد غیررسمی مبتنی بر مبادلات مرزی، و اقتصاد غیر رسمی بومی منطقه است. بخش غیررسمی اقتصاد در نظام‌های اقتصادی مختلف می‌توان نمود آن را یافت (قادرزاده، محمدپور و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۵).

تجارت مرزی^۳ که از جنبه‌های بسیار مهم در بُعد غیررسمی علم اقتصاد است، هرگونه رابطه تجاری اقتصادی (رسمی و غیررسمی) که از طریق مناسبات ویژه بینا مرزی و به شیوه‌های مختلفی صورت گیرد، خواه در قالب بازارچه‌ها و گذرگاه‌های رسمی و یا به طریق غیررسمی قاچاق را شامل می‌شود. گذرگاه‌ها و بازارچه‌ها می‌توانند در دو بُعد اقتصاد تجاری - خدماتی و مبادلات مرزی قاچاق^۴ در توسعه اقتصادی مناطق بومی ایفای نقش کنند و حتی بر ابعاد دیگر نظام اجتماعی تأثیرگذار باشند. یکی از اصلی‌ترین معضلات موجود در مناطق مرزی پدیده قاچاق کالا است که علاوه بر آثار زیانبار آن بر اقتصاد کلان ملی، تبعات اجتماعی مخربی در سطح شهرستان و کشور نیز در پی دارد.

از منظر جامعه‌شناسی کارکردی، پدیده قاچاق^۵ یا کنش قاچاقچی^۶ را می‌توان به مثابه کنش اجتماعی و انحراف از قانون درک کرد. لذا صاحب‌نظرانی نظیر نیزبت و مرتن، ریشه این انحراف را در ناهماهنگی میان فرهنگ و جامعه و یا به عبارتی دیگر، ناشی از ناهماهنگی میان اهداف پذیرفته شده و وسایل نهادی می‌دانند. از آنجا که

¹ Formal Economy

² Informal Economy

³ Border Trade

⁴ Smuggle

⁵ Contraband

⁶ Smuggler

⁷ Innovation

⁸ Self - Reflection

⁹ Agency

¹⁰ Structure

¹¹ Habitus

نوشتار برای کنشگران اصلی میدان مورد مطالعه قابل باور است و استنباط‌های کنشگران درباره پدیده قاچاق و نقش بازارچه‌های مرزی به مخاطبان خاصی منتقل شده است، و روش و تکنیک و ابزارهای به‌کارگرفته شده در تحقیق دارای حداکثر قابلیت برای بررسی و کسب نتایج سازگار از موضوع و بستر تحقیق هستند، و در نهایت، نتایج حاصله به میزان زیادی دارای عینیت و بسترمندی هستند. شیوه نمونه‌گیری مبتنی بر فرض پارادایمیک در ذیل نمونه‌گیری متوالی از دسته نمونه‌گیری‌های معیار محور یا کیفی^۴ قرار می‌گیرد. در این نوع نمونه‌گیری محقق علاوه بر این‌که از قاعده «انتخاب تدریجی»^۵ پیروی می‌کند، همواره در خلال گردآوری داده‌ها موارد جدیدی را براساس تغییرات ایجاد شده در طرح تحقیق به موارد اولیه نمونه‌های مورد تحقیق می‌افزاید. این موارد که بنابر فرصت‌های پیش آمده انتخاب می‌شوند، جزو موارد مهم و مطلعین کلیدی در باب موضوع تحقیق هستند. با کمک روش نمونه‌گیری کیفی، به‌ویژه نمونه‌گیری فرصت‌گرا یا ظهور یابنده^۶، با ۲۷ نفر از مطلعین کلیدی مصاحبه شده تا اشباع نظری حاصل گردد. مطلعین کلیدی^۷ یا دروازه‌بانان^۸ خبری، افراد درگیر در قاچاق در منطقه مرزی مریوان بودند. نقطه اشباع نظری^۹ هم نقطه پایانی برای گردآوری داده‌ها انتخاب شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است؛ نظریه زمینه‌ای روش‌شناسی ویژه‌ای است مبتنی بر بنیان‌های تفسیری - برساختی و با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها و برای تولید معرفت متقن و باورپذیر، توسط

جانب یک کنشگر به نام قاچاقچی مستقل از موقعیت خاص حاکم بر آن کنشگر نیست. نوع برخورد و تعامل کنشگران با ساختارهای اجتماعی جاری در اطرافشان تماماً خلاقانه و عقلانی نیستند و فرد قاچاقچی به طور بازاندیشانه عمل نمی‌کند و بعضاً درکی نادرست از زندگی و بستر اجتماعی خود و جایگاهش دارد، اما بازم زندگی روزمره و عقل سلیم این کنشگر بنیان تحقیق اجتماعی است و محقق اجتماعی می‌تواند به رایه طرحی تفسیری از آن پردازد.

روش‌شناسی مطالعه

تحقیق حاضر بر اساس روش‌شناسی کیفی و در چارچوب روش مردم‌نگاری انتقادی به انجام رسیده است. مردم‌نگاری به‌صورت میدانی و با روحیه طبیعی‌گرایانه^۱ و بسترمند^۲، پدیده‌ها را در بستر طبیعی‌شان مطالعه نموده و محقق بازاندیش به رایه توصیفی فرجه^۳ از موضوع مورد مطالعه و جوانب مختلف آن اقدام می‌کند. تحقیق‌های مردم‌نگارانه انتقادی دارای دیدگاهی انتقادی و حمایت‌گرایانه نیز هستند که به شرایط سلطه-طلبانه و نابرابر اجتماع که به‌خاطر نظامی از قدرت، منزلت، امتیاز و اقتدار موجب حاشیه‌ای شدن افراد، طبقات، قومیت و جنسیت‌های مختلفی شده‌اند، می‌تازند و برای توانمندسازی مردم برای چالش با شرایط سلطه‌گر مفیدند (کراسول، ۱۹۹۸: ۳۷؛ ایمان، ۱۳۸۸: ۳۱۶). یافته‌های تحقیق به کمک تکنیک‌های مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و اسناد و مدارک گردآوری گشته‌اند. معیارهای باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، و تأییدپذیری از جمله شاخص‌هایی هستند که در این نوشتار سعی بر حضور آنها شده است؛ به عبارتی بر ساخته‌های این

⁴ Qualitative

⁵ Gradual Selection

⁶ Opportunistic & Emergent Sampling

⁷ Key Informants

⁸ Gate Keepers

⁹ Theoretical Saturation

¹ Naturalistic

² Contextual

³ Thick Description

می‌شود. هم‌اکنون روزانه حدود یک میلیون دلار از طریق بازارچه باشماق صادرات و واردات می‌گردد. بازارچه مرزی باشماق مریوان یکی از سه بازارچه مهم در استان کردستان است که با رسمی شدن آن و اخذ ردیف ترانزیتی برای آن حجم مبادلات مرزی استان در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ روندی صعودی یافته و در سال ۱۳۸۸ رقم این مبادلات به بیش از سه میلیارد دلار رسیده است.

یافته‌ها و داده‌ها

همان‌طور که در بحث روش‌شناسی ذکر گشت، یافته‌های تحقیق غالباً با کمک روش نمونه‌گیری کیفی از طریق مصاحبه عمیق با ۲۷ نفر از مطلعین کلیدی گردآوری شده است. این افراد غالباً در آغاز به شیوه هدفمند و سپس از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی به آنها دست یازیده شده است. اجمالاً مطلعین کلیدی (افراد مورد مصاحبه) ترکیبی از کارکنان بازارچه‌های مرزی، بازرگانی، نگهبانان، پیلهوران، کولبران، کارگران داخل بازارچه، قاچاقیان، مردم معتمد در شهر و روستاهای اطراف هستند. این افراد با شیوه‌هایی تعمدی در آغاز به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که درک بر این بوده است که آنان دارای بیشترین اطلاعات و داده و تحلیل درباره موضوع مورد مطالعه هستند و به تشخیص محقق از میزان دانش آنان سعی شده است تا با معرفی آنان به افراد آگاه دیگری نیز ارتباط و مصاحبه صورت گیرد.

بارنی گلاسر^۱ و آنزلم اشتراوس^۲ در سال ۱۹۶۷ ایجاد شده و بسط یافته است. در این روش داده‌ها در سه سطح مفهیم، مقوله‌های عمده و مقوله هسته، در جریان سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، تعیین و کدبندی شده و نهایتاً داده‌های گردآوری شده با روش نظریه زمینه‌ای تحلیل و در قالب مفهیمی اساسی و مقوله‌های عمده و نهایتاً یک مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شده و در یک مدل پارادایمیک ارائه شده است.

معرفی کلی میدان مورد مطالعه

شهرستان مریوان به لحاظ جغرافیایی در ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی سنندج و در استان کردستان واقع است و مساحتی در حدود ۲۲۵۹/۵ کیلومتر مربع را دارد و بیش از ۳۵۰ کیلومتر از تهران دور است. بر طبق آمار و اطلاعاتی که از سرشماری سال ۱۳۹۰ به دست آمده است، کل جمعیت شهرستان مریوان ۱۶۶۹۵۰ نفر است که از این تعداد، ۸۴۴۵۲ نفر را مردان و ۸۲۴۹۸ نفر را زنان تشکیل می‌دهند و جمعیت شهری ۱۲۰۹۹۶ نفر و ۴۵۹۵۴ نفر روستایی هستند. بازارچه مرزی باشماق به فاصله زمانی ۳۰ دقیقه و در حدود ۱۶ کیلومتری شهر مریوان و در ۶ کیلومتری شهر پینجویین در استان کردنشین سلیمانیه از کردستان عراق است و تا سلیمانیه ۱۳۰ کیلومتر فاصله دارد. این بازارچه از دیرباز به خاطر ارتباطات اجتماعی و اقتصادی و بسترهای خانوادگی با مناطق همسایه مرزی خود در ارتباط بوده است تا این‌که نهایتاً در سال ۱۳۷۳ به‌عنوان بازارچه مرزی انتخاب و تأسیس شد و در سال ۱۳۸۵ به یک بازارچه رسمی درآمد و در شرایط کنونی و با امکانات فعلی روزانه حدود ۶۰۰ کامیون کالا از طریق این بازارچه مبادله

¹ Barney Glaser

² Anselm Strauss

جدول ۱ - مشخصات زمینه‌ای مطلعین کلیدی

ردیف	کُد قراردادی پاسخگو	سن	شغل	میانگین در آمد ماهیانه در سال - تومان	تحصیلات
۱	س	۳۶	ترخیص کالا	۲,۰۰۰,۰۰۰	دیپلم کشاورزی
۲	ح	۴۰	کولبر، کارگر، راننده سه چرخ،	۳۵۰,۰۰۰	بیسواد
۳	کار	۴۷	کشاورز،	۳۵۰,۰۰۰	متوسطه نظام قدیم
۴	سو	۲۶	مغازه لوازم خانگی، واردات از دبی، چین، کره	۷۰۰,۰۰۰	دیپلم انسانی
۵	م	۳۷	مغازه لوازم خانگی، واردات از دبی، چین، کره	۶۵۰,۰۰۰	دوم متوسطه
۶	سی	۳۰	راننده ماشین لندکروز ۳ اف لندکروز	۴۰۰,۰۰۰	دوم متوسطه
۷	اب	۳۴	شورای روستا، کولبر،	۴۵۰,۰۰۰	دیپلم
۸	ع	۴۰	کولبر، کشاورز،	۴۰۰,۰۰۰	بیسواد
۹	ش	۳۹	وارد کننده بار و کالای قاچاق، صوتی تصویری و لوازم خانگی و غیره، به صورت غیر قانونی و با ضمانت برای صاحبان کالاها	۱,۲۰۰,۰۰۰	ابتدایی
۱۰	سار	۲۲	ترخیص کار، ترخیص کالا و بار در مرز باشماق	۶۰۰,۰۰۰	اول متوسطه
۱۱	ج	۳۸	تاجر و وارد کننده لوازم آرایشی بهداشتی	۱,۱۰۰,۰۰۰	دیپلم
۱۲	آک	۳۵	پیمانکار ساختمانی در کردستان عراق، مبادله‌ی سرپایی ارز (دلار و دینار)	۱,۴۰۰,۰۰۰	فوق دیپلم فنی
۱۳	آ	۲۹	قاچاق ضمانتی کالاها به شهرستان و استان‌های داخلی کشور	۱,۲۰۰,۰۰۰	لیسانس روانشناسی
۱۴	ص	۳۳	پله‌ور	۸۵۰,۰۰۰	دیپلم
۱۵	م	۵۰	معلم ابتدایی. مغازه دار	۷۵۰,۰۰۰	فوق دیپلم آموزش ابتدایی
۱۶	فر	۴۲	معتمد	۸۰۰,۰۰۰	لیسانس ادبیات عرب
۱۷	ل	۳۳	شاغل در بازارچه مرزی	۶۰۰,۰۰۰	لیسانس ادبیات فارسی
۱۸	ما	۴۷	کاسب آزاد	۹۰۰,۰۰۰	دیپلم
۱۹	اب	۴۵	خرید و فروش مسکن	۸۵۰,۰۰۰	پایان راهنمایی
۲۰	ز	۵۵	کولبر	500000	نهضت
۲۱	ع	۳۶	قاچاق فروش، ترخیص ضمانتی کالا به درون کشور و بیرون از کشور	۱,۱۰۰,۰۰۰	سوم متوسطه
۲۲	آز	۲۸	دفتر ترخیص بار و کالا، دانشجوی حسابداری پیام نور	۱,۰۰۰,۰۰۰	لیسانس
۲۳	سا	۳۳	دبیر دبیرستان، مغازه‌ی فروش لوازم خانگی	۱,۳۰۰,۰۰۰	لیسانس ادبیات
۲۴	ر	۴۵	کارگر و کولبر	۴۰۰,۰۰۰	ابتدایی
۲۵	رش	۳۹	کولبر	۳۵۰,۰۰۰	ابتدایی
۲۶	ها	۴۹	معلم بازنشسته شده، مغازه چایی فروشی	۵۰۰,۰۰۰	دیپلم اقتصاد
۲۷	م	۲۷	مغازه بدلیجات	۴۰۰,۰۰۰	اجتماعی نظام قدیم مهندسی مکانیک

آن اقدام نموده‌اند. مجموعه این کنش‌ها کلیتی به نام پدیده قاچاق را برساخت نموده است که همانند امری تاریخی و بسترمند، محصول کنش و تعاملات گسترده و

بر اساس سازه‌های نظری تحقیق حاضر، قاچاق به عنوان کنشی ویژه از جانب کنشگران میدان مورد مطالعه لحاظ می‌شود که در پاسخ به شرایط محیطی خویش به

متنوعی از کنشگران منطقه است. کنشگران میدان مورد مطالعه، به عنوان کنشگران خلاق و بازانديش در گستره زندگی روزمره خود مدام همه کنش‌ها و نیازهای خود را شکسته و از نو مطابق با نظام معنایی و ارزش‌های موقعیتی خود ساخت داده‌اند. با این وصف، درک و تفسیر مردم از جایگاه و نقش بازارچه‌های مرزی در تغییرات پدیده قاچاق در این شهرستان، بر وقوع نوسان‌ها و تغییرات شدت حجم مکانی پدیده قاچاق، به تأثیر از وجود بازارچه‌های مرزی تاکید دارند.

یافته‌ها حاکی از آن است که بازارچه‌ها هر چند تا حدودی در کاهش پدیده قاچاق به نسبت دوره‌های گذشته سهمیم بوده است، اما خود این بازارچه‌ها هم به تناسب خودشان در شیوه‌های مختلفی به پدیده قاچاق

دامن زده‌اند و در گسترش حجم اقتصاد پنهان و سیاه در اقتصاد کشور نقش داشته و ضریب امنیت اقتصادی کشور را پایین آورده است. یافته‌های تحقیق حاضر، بر نحوه تغییر پدیده قاچاق در شهرستان مریوان پس از تأسیس بازارچه‌های مرزی دلالت دارد. بر اساس این یافته‌ها، نحوه خوانش مرزنشینان از پدیده قاچاق به شرح زیر در قالب ۳۴ مفهوم اساسی و پنج مقوله عمده (تداخل کارکردی نهادی، آسیب‌مندی سیستم اداری درون بازارچه‌ها، ناکارآمدی سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها، نابسامانی موقعیتی، و فشارهای برون ساختاری) و یک مقوله هسته (تداوم پدیده قاچاق مرزی) تلخیص گشته‌اند و نهایتاً در قالب مدل یک زمینه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند.

جدول ۲ - مفاهیم و مقوله‌های عمده استخراج شده

مقوله هسته	مقوله‌های عمده	تعداد مفاهیم	مفاهیم اساسی
تداوم قاچاق	تداخل کارکردی نهادی	۵	تداخل مسؤولیت امنیتی با نیروهای هنگ مرزی، تداخل کارکردی با نماینده فرمانداری در بازارچه، تداخل نهادی بین بازرگانی و گمرک، تداخل کارکرد امنیتی بین ارگان‌ها و دستگاه‌های نظامی و انتظامی، عدم حضور هیأت نظارتی و میانجی بین نهادی
	بوروکراسی بخرنج و بازدارنده	۹	بوروکراسی دست و پاگیر اداری بین نهادهای مسؤول در بازارچه، عدم وضوح سقف واردات و صادرات سالانه، پایین و نامتعیین بودن تنوع کالاها و اقلام وارداتی و صادراتی، عدم اعطای وام و دیگر حمایت‌های مالی و تسهیلاتی برای صادرکنندگان، عدم برگزاری سمینارهای انگیزشی و توجیه‌گر برای توانمند سازی تجار، بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی، عدم عوامل انگیزشی برای دعوت و توجیه حضور مردم در نواحی سخت و صعب‌العبور بازارچه‌ها، عدم برگزاری نشست‌های همکاری بین بازارچه‌ای در سطوح داخلی و خارجی، تدوین عامدانه اظهارنامه‌های مالیاتی و گمرکی غلط
تداوم قاچاق	ناکارآمدی سیستم نظارت بازارچه‌ها	۷	ناابرا بودن فرصت‌های تجارت برای افراد سودجو و با ضابطه به نسبت افراد ذی‌نفع در بازارچه‌ها، عدم عدالت اجرایی در صدور و تحویل کارت‌های تجارت مرزی به روستانشینان نوار مرزی، تدوین عامدانه سیاه‌های باری به‌شبه نادرست و غلط، فساد اداری بین تجار ذی‌نفع و کارکنان بازارچه‌ها، بهینه و کارآمد نبودن نهادهای نظارتی بازارچه‌ها در کنترل تخلفات، پدیده رشوه‌دهی و رشوه‌گیری مرسوم در میان ارزیاب‌های گمرکی- مالیاتی و ترخیص‌کاران، جا زدن کالاهای تقلبی به جای کالاهای اصلی، رد کردن کالاهای تقلبی در لابه لای کالاهای اصلی
	نابسامانی موقعیتی	۶	عدم فضای کافی در داخل و اطراف بازارچه‌ها، نامناسب بودن موقعیت مکانی تأسیس بازارچه‌ها، نامناسب بودن مسیر ارتباطی بازارچه‌ها از نظر حمل و نقل مسافر و بار، وضعیت نابسامان تأسیساتی و تسهیلاتی درون بازارچه‌ها، عدم تغذیه و حمایت مالی شهرک‌ها و پایانه‌های بازارچه‌ها، عدم تقارن و تناسب موقعیتی بازارچه‌ها در دو سوی مرز
	فشارهای برون ساختاری	۷	حجم بالای بیکاری در منطقه، عدم رقابت اساسی بازار داخلی و خارجی، تقاضای بالای داخلی برای اجناس خارجی، بصره‌بودن کالای خارجی به لحاظ قیمت نسبت به داخل، تورم اقتصادی بالا در منطقه، تراکم جمعیتی بالا در منطقه، عدم وجود و توزیع فرصت‌های کاری در منطقه

تداخل کارکردی نهادی

مقوله تداخل کارکردی نهادی، بیانگر تداخل و درهم‌ریختگی سازمان و نهادهایی است که در بازارچه بنابر دلایلی ویژه حضور دارند، اما به لحاظ مسئولیتی و کارکردی در نوعی سردرگمی و یا درهم‌ریختگی و اختلاط به سر می‌برند. این مداخله‌ها برای مسافران بینامرزی و نیز برای تجار و بازرگانان یا پيله‌وران و ترخیص‌کاران باعث دردسر و اتلاف وقت و هزینه‌های بسیاری می‌گردد و همین وضعیت تمایل به سوی قاچاق را دو چندان نموده است. در این‌گونه شرایط افراد سودجو از این سردرگمی استفاده و از طریق مجراها و روابط خاص به انجام امورات در ورای ضوابط موجود اقدام می‌کنند. در بسیاری مواقع سرپرست بازارچه و پایانه تجاری باید دامنه‌ای از اختیارات ویژه و قدرت‌های خاص تصمیم‌گیری و عمل را داشته باشد که تا حدودی باید از حیطه وظایف نماینده فرمانداری در بازارچه مجزا باشد، لیکن این عدم وضوح و تمایز در اختیارات مسؤولان به کندی جریان ارتباطات و مبادلات در منطقه و بازارچه‌های دوطرف مرز می‌انجامد و فرصت‌های مهم اقتصادی و حتی توریستی فراوانی را از دست می‌دهد. "س" که در مرز به کار ترخیص کالا مشغول است، می‌گوید:

«اگر یکی بخواد بیاد تو مرز کارکنه و تازه‌کار هم باشه، پدرش در میاد! از دژبان دم در ورودی بازارچه گرفته تا نگهبان در خروجی بازارچه و ارزیاب و مأمور بازرگانی و همه بهش گیر میدن، از این قسمت خلاص نمیشه، گیر اون یکی دیگه می‌افته. اینجا وای نسا حیطه....، اون طرفتر محدوده.....، اون طرفتر دم در دفتر فلان شرکت ترانزیت کالا است. در عوض، اگر کارت به یکی از این‌ها بخوره، از بس میدوانت که فراموش کنی واسه چی اومدی؛ این قسمت به

اون یکی دیگه پاست میده و اون یکی هم به دیگری. تنها راهش اینه که زود بتونی قلق کاربه دست‌ها (مسئولان) رابه دست بیاری؛ مثل همه جاهای دیگه تو دنیا!».

این تداخل نهادی بین ادارات بازرگانی و گمرک و نیروی انتظامی هم حتی در نوع کالاهایی که قرار است مجوز ورود داشته باشند، یا این‌که چه ارگانی تعیین می‌کند که چه نوعی از کالاها قاچاق هستند و کدام‌ها قابل ترخیص و تردد هستند، از مشکلات اساسی بازارچه‌ها و پيله‌وران و بازاریان است. از یک طرف، بازاریان و تجار از کشورهای خارجی، همچون دبی و کره و ژاپن و هند و مالزی و ... کالا خریداری کرده و به خیال این‌که قابل ورود به کشور است، در انتظار آمدن آن محموله‌ها هستند، اما به ناگاه بعد از چند روز دستور و بخشنامه جدیدی آمده و ورود آن نوع کالا حتی با گمرک هم ممنوع شده است. در این زمان تنها راهکار گرایش بازاریان به قاچاق و استفاده از قاچاقچیان برای حمل بارهایشان به صورت قاچاق به داخل کشور است.

"ج" که تاجر است، تجربه خود را این گونه نقل می‌نماید:

«واقعاً ما نمی‌دانیم به ساز کی برقصیم. بعضی مواقع در بازارچه‌ها به‌ویژه بازارچه‌های موقت اقلام خاصی از کالا برای ورود به کشور مجاز اعلام می‌شود، اما در عرض چند هفته برخی از این اقلام از طریق این بازارچه‌ها ممنوع الورد می‌شود، در حالی‌که همین کالاها را می‌توان به سهولت از طریق بازارچه‌های "بانه" و یا بازارچه "شوشمی" در شهرستان "پاوه" وارد نمود. این در حالی است که ما تاجران و بازرگانان مریوانی در کشورهای خارجی به امید این‌که از طریق مرزهای شهرستان مریوان بتوانیم کالاهایمان را وارد کنیم، اقدام به خرید و سفارش

در این هنگام نهادهای مرتبط همیشه به نوعی به همدیگر مظنون بوده، در نوعی بلا تکلیفی خاص به سر می‌برند که آیا این مورد جزو روال قانونی و شامل سقف قانوناً تعیین شده واردات و صادرات برای بازارچه آنها خواهد بود یا خیر؛ به شیوه رابطه‌مندانه و غیر قانونی‌ای قرار است صورت بگیرد." " درباره جریان کالا در این بازارچه‌ها می‌گوید:

« الان [دولت] همه راه‌های قاچاق قدیمی را که اکثر شب‌ها و در جوار پاسگاه‌ها و با کمک باج و یا به شیوه قاچاقی و دزدکی صورت می‌گرفت را جمع کرده‌اند و در روستاهای مرزی بازارچه موقت هر کالایی را که خودشان مایل باشند و دستور بدهند، اجازه ورود و خروج می‌دهند. اکنون اگر از بازارچه‌های اسکول/پیران و «دهره‌وران» نباشد، هیچ کالایی نمی‌تواند وارد شود. خوب مرزهای موقت "نه‌سکول" و "دهره‌وران" هم به میل خودشان به چیزهایی غیربرقی اجازه ورود می‌دهند و وسایل غیربرقی هم نه همه چیز! مثلاً پارچه را اجازه نمی‌دهند».

این نوع سردرگمی‌ها در بین نهادهای مستقر و مسئول در بازارچه به درازا کشیدن جریان امور منجر شده و ارباب رجوع را ناراضی می‌نماید. مفهوم پایین و نامتعیین بودن تنوع کالاها و اقلام وارداتی و صادراتی به قضایایی اشاره دارد که بر اساس آنها تجار در تعیین تنوع خاصی از کالاها برای ورود به کشور غالباً دچار مشکل هستند، در حالی که فرد تاجر باید به تقاضای بازار داخلی برای ورود دامنه گسترده ویژه‌ای از کالاها پاسخ دهد، اما این تنوع درخواست بازار داخلی به خاطر ابهام‌ها و محدودیت‌های گمرکی و تعرفه‌ای مشخص شده در مرزها ممکن نباشد. لذا فرد تاجر ناچار خواهد بود از راه قاچاق به این درخواست‌ها پاسخ دهد.

کالا کرده‌ایم. خدا و کیلی شما خودتان را به جای ما بگذارید؛ اگر شما بودید چه کار می‌کردید؟»
با تمام این مباحث، اما باز هم هیأت نظارت و میانجیگر و تسهیلگر امور بین نهادی که مقبول همه ارگان‌ها و نیز مسئولان بازارچه و مردم هم باشد، غالباً وجود ندارد. در این شرایط اگر فرد تاجر، بازرگان، پیلهور و یا مسافری که حتی از روی ناآگاهی احساس کند که ممکن است کارش در یکی از این قسمت‌ها با مشکل مواجه شود، ناچار راه قاچاق را انتخاب کرده و از طریق قانونی عمل نخواهد کرد؛ مگر این که مطمئن باشد از جانب مسئولی خاص در آن نهادها چراغ سبزی برای همکاری احتمالی دریافت داشته است. اینها از جمله مواردی هستند که نشان می‌دهند تداخلات کارکردی نهادهای مستقر و درگیر در بازارچه به عنوان عناصری تأثیرگذار در تداوم پدیده قاچاق هستند. این نهادها در صورت برخورداری از سازماندهی و تفکیک وظایف و اختیارات می‌بایست بر کاهش و حذف پدیده قاچاق در منطقه متمرکز می‌شدند، اما عملاً خودشان ندانسته به تداوم قاچاق در قالبی متفاوت با قبل کمک می‌کنند.

بوروکراسی بغرنج و بازدارنده

مقوله بوروکراسی بغرنج و بازدارنده جاری در میان سیستم اداری و نهادی بازارچه‌ها بیشتر در وضعیت‌هایی منظور است که تمایزات کارکردی و مسئولیتی نهادها به وضوح قابل تشخیص است، اما به‌هنگام ضرورت‌های همکاری بین نهادی در این نهادها نوعی بوروکراسی دست و پاگیر اداری بین نهادی حاکم است که به طولانی شدن مدت زمان انجام امور منتهی می‌شود و ارباب رجوع را دلزده می‌کند. عدم وضوح سقف واردات و صادرات سالیانه یکی دیگر از مسائلی است که به لحاظ اداری میان نهادهای مرتبط کاملاً مشخص نگشته است.

تعرفه و عوارض گمرکی که برای تبادل کالاها گرفته می‌شود، تحت تأثیر عوامل مختلفی از مرکز کشور و با توجیه حمایت از بازار و صنایع داخلی کشور قرار داشته و به کرات تغییر می‌یابد. همین مسأله باعث می‌شود تا نوعی ابهام و سردرگمی یا به عبارت دیگر، سردرگمی بر بازاریان و تجار و پيله‌وران غلبه کرده، پدیده قاچاق احتمال تحقق بیابد.

ناکارآمدی سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها

از دیگر مواردی که به آسیب‌پذیری و ناکارآمدی بیش از پیش مناسبات مختلف بین نهادی و سیستم اداری نهادهای مستقر در بازارچه دامن می‌زنند، عبارتند از: تدوین عامدانه سیاهه‌های باری نادرست و یا تدوین عامدانه اظهارنامه‌های مالیاتی و گمرکی غلط که به نوعی فساد اداری بین تجار ذی‌نفع و کارکنان بازارچه‌ها به شیوه‌های مختلف و تحت عناوین متفاوت نیز هست. در این رابطه‌ها هرچند که برخی از تجار به عمد و به دور از چشم و نظارت مسؤولان مرتبط در بازارچه اقدام به تدوین غلط و مغایر با واقعیت آنچه باید اعلام شود، می‌نمایند و یا کالاهایی را که نباید تا قبل از ثبت و ارزیابی و تحویل بیجک و تعرفه و گمرکات از مرز خارج نشوند، پنهانی، جعلی و بدون تسلیم اظهارنامه‌ها از مرز و در بازارچه‌ها به مرز کشور خارجی صادر یا به داخل کشور وارد می‌کنند و یا این که سیاهه‌های باری را نادرست و عامدانه کمتر از حد واقع جلوه داده و یا با همکاری رابطه‌محورانه یک یا تنی چند از مسؤولان به رد و بدل‌های پنهانی کالاها و ارز و اجناس می‌نمایند. این‌گونه اعمال از طرفی به طور مستقیم دامنه بُعد غیررسمی اقتصاد پنهان را در کشور می‌افزاید و از طرف دیگر، با تنگ‌کردن عرصه رقابت و فرصت‌های برابر برای دیگر افراد فاقد رابطه، راه را بر پدیده قاچاق در بیرون از

نابرابر بودن فرصت‌های تجارت برای افراد سودجو و با ضابطه، از دیگر مسائلی است که پدیده قاچاق را برای آن عده از افرادی که فاقد رابطه‌های ویژه هستند، در ارجحیت قرار می‌دهد. عده‌ای از افراد که به شیوه‌های مختلفی دارای روابط مختلف هستند که می‌توانند بسیاری از گره‌ها و موانع را دور زده و یا بیشتر از سقف تعیین شده به نسبت دیگران در دوره زمانی معینی، اقدام به صادرات و واردات کنند، به نوعی دارای فرصت‌های ویژه استثنایی خاص هستند که جزو بخش غیررسمی از اقتصاد پنهان قرار می‌گیرد. در عوض، افرادی که فاقد این لینک و ارتباط‌های بخصوص باشند، برای جبران این فرصت‌ها علاوه بر امتحان راه‌های رشوه‌دهی و عدم ارایه اظهارنامه‌های مالی به شیوه قاچاق نیز اقدام می‌کنند.

"ش" این موضوع را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«من اگر قرار باشد با فلان ثروتمند رقابت کنم، باید بتوانم به مشتریانم در بازار و به موقع پاسخ بدم و جنس تحویل بدهم. پس مجبورم یا با افراد داخل بازارچه دست به یکی کنم و حتی جنس‌های فاقد مجوز را نیز در خلال دیگر جنس‌ها و قبل از رقبایم وارد کنم، یا نه، بایستی از راه قاچاق هم که شده، زودتر از اون‌ها به بازار برسم. دنیا دیگه مثل سابق نیست. بازار رقابته اگر چند روز دیرتر برسم، جنس‌هام به مایه خودش هم ضرر می‌کنه! پس مجبورم منتظر روال عادی و اداری گمرکات و بازارچه‌ها ننشینم!».

بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی، از جمله مواردی است که به طور غیرمستقیم باعث انتخاب قاچاق از جانب تجار و کسبه می‌شود. این بی‌ثباتی در حجم و سقف کالاهای قابل مبادله از طریق بازارچه‌ها به صورت رسمی و نیز در تنوع و اقلام کالاها از اساسی‌ترین نمونه‌های بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی است. میزان

فضای بازارچه‌ها بیش از پیش بازتر می‌کند.

کارت‌های تجارت مرزی مخصوص روستانشینان نوار مرزی در اصل به منظور کاهش حجم قاچاق در منطقه و نوعی اشتغال‌زایی و رفاه مردم منطقه از طریق ارتقای معیشتی و کاهش موقت بیکاری بوده است، اما توزیع ناهماهنگ و غیرکارشناسانه این کارت‌ها در میان مردم روستاهای منطقه، نوعی نارضایتی و احساس تبعیض و تفاوت را به دنبال داشته است و جهت‌گیری مردم نسبت به عملکرد مسئولان در این خصوص چندان خوشایند نیست. چگونگی اجرای این طرح‌ها به گونه‌ای است که خود به ظهور مشکلاتی دیگر از جمله نارضایتی مردم از مسئولان اجرایی و برنامه‌ریزی و مدیریتی آن انجامیده است. "ح" با گلایه‌های همه‌گیرش این موضوع را این‌طور بیان می‌نماید:

«تا سال‌های ۱۳۷۳ و ۷۴ کسی از پيله‌وری و تجارت رسمی خبری نداشت و همه کولبر بودند، مثل آلان که برای کارت مرزی داد و بیداد می‌شود، آن موقع‌ها هم ناچار پيله‌وری را برپا کردند، ولی گفتند چونکه همه مردم ثروتمند و سرمایه‌دار نیستند، پس بهتر است برای فقرا و روستاییان هم مرزی باز کنیم. این هم از مرز موقتی که برای فقرا باز کرده‌اند (با کنایه!) برای عده‌ای هست و عده‌ای دیگر هیچ! علتش هم این است که دستگاه‌های اجرایی با مردم صادق نیستند و یک سال آمده چهار روستا را ثبت نام کرده [برای کارت سبز مرزی]، سال بعدش هم سه روستای دیگر. فلانی از فلان روستا دو سال است کارت دارد و کول می‌برد و درآمد دارد ولی روستای بغل دستی‌اش را تازه آلان دارند برای دو سال دیگر ثبت نام می‌کنند. خوب تا دو سال دیگر که کارت صادر بشود، هزار اتفاق می‌افتد و کسی چیزی نمی‌داند. اینها [مسئولان] نیامده‌اند یکبار همه

روستاهای مرزی را ثبت نام کنند و به همه کارت به

دهند».

ناکارآمد بودن سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها بر فرآیند واردات و صادرات، نوع کالاها، تحدید و ترتیب مناسبات و فرصت‌ها و محدودیت‌ها، همواره بر تغییر جریان و قالب قاچاق موثر بوده است. این ضعف نظارتی درون بازارچه‌ها به گونه‌هایی باعث شده است تا پدیده قاچاق که قبلاً برای عموم مردم منطقه و از نقاط متکثر جغرافیایی نوار مرزی شهرستان مریوان و با حجم متغیر و گسترده‌ای در جریان بود؛ هم‌اکنون محدود به گذرگاه‌ها و معبرهای بازارچه‌ها گردد. در این گذرگاه‌ها یکسری افراد ذی‌نفع بهترین فرصت‌های تجارت را در اختیار دارند و در لابه لای این فرصت‌های رسمی، از ضعف سیستم نظارتی و کنترلی درون بازارچه‌ها استفاده نموده، فرصت‌های غیررسمی تجارت را به کار می‌گیرند.

"م" ناکارآمد بودن سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«فواید و عایدات مرز هم بیشتر برای کسانی است که یا ثروتمندند و یا با... در تباری‌اند و یا به هر شیوه با آنها سر و سری دارند».

بر این اساس است که می‌توان گفت بازارچه‌ها هر چند که سطح گسترده و انبوه سابق قاچاق را تقلیل داده‌اند، اما خود همین بازارچه‌ها به شیوه‌هایی دیگر پدیده قاچاق را بر ساخت نموده‌اند. یکی از این شیوه‌ها نیز تداوم قاچاق در قالب بازارچه‌های مرزی است که از برخی لحاظ ناشی از ضعف و ناکارآمدی سیستم‌ها و عوامل نظارتی درون بازارچه‌هاست.

نابسامانی موقعیتی

ویژگی جغرافیایی و موقعیتی بازارچه‌ها در مریوان، به‌ویژه بازارچه‌های موقت مرزی، بر اساس یافته‌ها و

وضعیت موقعیتی بسیار پایینی را دارند. "آک" مجموعه موارد فوق را این‌گونه بیان می‌کند:

«آقا این مرز و بازارچه‌ها یک دنیا درآمد دارد، یک عالمه مسافر و ترانزیت و کامیون روزانه میان و میرن، پول گمرک ماشین و بار و پول پاسپورت و کاپیتان ماشین و تعرفه و گمرکات و غیره، اما نمی‌دانم چرا بازهم اوضاع اینجوریه؟! این از وضع نابسامان جاده و راه‌های ارتباطی بازارچه‌هاشون! همین بازارچه دهره‌وه‌ران نمونه بارزشه؛ چندین کیلومتر جاده خاکی داره و انگار جا و مکان قحطی بوده. بازارچه را درست نوک قله کوه برپا کردن!»

وضعیت نابسامان تأسیساتی و تسهیلاتی درون بازارچه‌ها نیز از جمله مواردی است که در جذب یا طرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق حضور تجار و بازرگان و پبله‌وران می‌تواند بسیار مؤثر باشد. تأسیسات و تسهیلات درون بازارچه هر چه به‌روزتر و کارآمدتر باشد، سرعت و سهولت اجرای فعالیت‌ها و مبادلات بالاتر خواهد بود و از همین مسیر می‌تواند در ارتقای وضعیت اقتصادی بازارچه و منطقه و کشور کارگر باشد. "ع" این موضوع را این‌طور بیان می‌نماید:

« ببینید بازارچه «باشماق» این‌همه ساله که تأسیس شده، اما بازهم نه مسافرخانه درست حسابی داره، نه اوضاع ترخیص و ترانزیت کالاهاشون مرتبه؛ همین پلی را که قراره بین دو کشور در بازارچه زده بشه، در نظر بگیر. عراقی‌ها خیلی زود سهم خودشون را احداث و تمام کرده‌اند اما سهم ایران هنوز نیمه‌کاره است. خوب این پول‌ها کجا می‌ره؟ چرا یک تاجر باید کالاهاشو بده قاچاقچی‌ها برایش بیارن داخل؟ مگه...»

این گفته کوتاه از سخنان گسترده و جالب "آک" و "ع" علاوه بر مقوله نابسامانی موقعیتی بازارچه‌های

مشاهدات و مصاحبه‌ها، نامتناسب است. این نامناسب بودن موقعیت مکانی تأسیس بازارچه‌ها به همراه شاخصه‌های مشابه دیگری، همچون عدم فضای کافی در داخل و اطراف بازارچه‌ها به شیوه‌هایی اساسی بر جریان تبادل و مناسبات مختلف تجاری و اجتماعی تأثیر منفی گذاشته است. با بررسی ابتدایی و بسیار ساده می‌توان دریافت که عقل سلیم مردم منطقه از دیرباز بهترین نقاط مرزی و جغرافیایی را در نوار مرزی مریوان برای مناسبات سابق خودشان با کشور همجوار پیدا کرده و از آن استفاده نموده‌اند. اما سیاست‌گذاری‌های امنیت محورانه در قبال منطقه باعث شده است تا بازارچه‌ها در مریوان، به‌ویژه بازارچه‌های موقت مرزی پیران و دهره‌وه‌ران، به لحاظ موقعیت و مکان بسیار نامناسب باشند. این بازارچه‌ها بر روی کوه‌هایی با ارتفاع و شیب بالا و با کمترین فضا و وسعت لازمه احداث شده‌اند. این عامل با توجه به شرایط جوی و کوهستانی بودن منطقه و نیز ضعف سیستم مواصلاتی و حمل و نقل همواره نسبت به دستیابی افراد مختلف به بازارچه‌ها مشکل‌ساز بوده است. فضای داخلی بازارچه‌ها برای حمل و نقل، انبار، باسکول، تأسیسات و ساختمان‌های اداری، خدماتی، از قبیل: گمرک، ارزیابی، حراست و غیره بسیار اندک است. علاوه بر این موارد، نامناسب بودن مسیر ارتباطی بازارچه‌ها از نظر حمل و نقل مسافر و بار، از این قبیل مسایلی هستند که تحت همین مقوله نابسامانی موقعیتی قرار می‌گیرند. این موارد حاکی از این هستند که در حالی که روستاها و موقعیت‌های جغرافیایی دیگری هستند که از لحاظ جاده ارتباطی به نسبت با مکان‌هایی که هم‌اکنون مرزها در آنها دایر هستند، بسیار وضعیت بهتری دارند و به لحاظ فاصله مکانی و زمانی و نیز به لحاظ نوع شوسه یا آسفالت بودن مسیر، بسیار با صرفه‌تر هستند. اما با این حال، بازارچه‌ها در مکان‌هایی تأسیس شده‌اند که در کل

چیزی که افراد به آن مشغول شوند و یا چیزی مثل سود و فایده اقتصادی‌ای که گیر افراد بیاید، در مرزها نسبت به درآمد کارگری و یا کار کشاورزی هم بهتر و به‌صرفه‌تر است و چون که قاچاق می‌شود و نیز از نظر گمرک کالاها در شهرهای دیگر گرانتر تمام می‌شوند و در این جا (مرز مریوان) به هرگونه‌ای وارد شود، لذا به هر حال بصره‌تر و بهتر است. از نظر کشاورزی هم حساب کنید الان در نظر بگیر خانواده‌ای که ۵-۶ نفر هستند، اگر قرار باشد کشاورزی کنند، هرکدامشان ماهیانه ۵ هزار تومان هم گیرشان نمی‌آید. یا نه اصلاً پدر من را حساب کن: در قدیم تنها خودش بوده، الان ما پنج نفر برادریم. خوب به صرفه نیست و ما پنج نفر نمی‌تونیم همگی بشینیم کنار زمین‌ها و کشاورزی کنیم؛ پس مجبوریم به فکر راه‌چاره‌ای باشیم. یا باید مثل خیلی‌ها بریم شهرهای دیگه مثل تهران و اهواز کارگری کنیم یا بریم مرز کولبری و قاچاق فروشی. بعضی‌ها هم که مایه‌دارند بازرگانی و پیلهوری می‌کنند...».

زمانی که بازارچه‌های منطقه دارای سقف مبادلاتی و خدماتی معینی هستند و تقاضاهای مردمی از بیرون برای استفاده از این خدمات و حضور یافتن در بازارچه و مبادلات رسمی آن بیشتر باشد، لذا این محدودیت پاسخگویی از جانب بازارچه به چند شیوه پاسخ داده می‌شود. در این حالت، یا مناسبات داخل بازارچه‌ها به صورت رابطه‌مند و در اختیار فرصت‌طلبان قرار می‌گیرد و یا تقاضاها به سمت مبادلات قاچاق در بیرون از مسیر بازارچه‌ها پیگیری خواهند شد و مردم بیشتر به سوی قاچاق تمایل خواهند داشت. این مسأله اگر همگام شود، با مسأله پایین بودن سواد افراد در منطقه برای مناسبات رسمی و مبادلات تخصصی تجارت و بازرگانی، بیشتر باعث می‌شود تا مردم به سمت شیوه‌های غیررسمی

مربیان و جاده‌های ارتباطی و ضعف سیستم اداری و نظارتی بازارچه‌ها، برخی جنبه‌های دیگر از قبیل ضعف مدیریت پایانه و بازارچه‌ها، ضعف اولویت‌بندی‌های ضرورت‌های اجرایی امور مرتبط با بازارچه‌ها، ضعف روابط متعدد بین‌مرزی با کشور همسایه و مشکلات مرتبط برون‌ساختاری بازارچه‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

فشارهای برون‌ساختاری

حجم بالای بیکاری در منطقه، عدم رقابت اساسی بازار داخلی و خارجی، تقاضای بالا برای اجناس خارجی، به‌صرفه بودن کالای خارجی به لحاظ قیمت نسبت به کالای داخلی، تورم اقتصادی بالا در منطقه، تراکم جمعیتی بالا در منطقه، نبود و توزیع فرصت‌های کاری در منطقه به مثابه اساسی‌ترین مواردی هستند که بر طبق یافته‌های تحقیق، باعث اعمال فشار ناهماهنگی و به هم‌ریختگی برنامه‌ریزی‌های بازارچه‌ها می‌شوند. بیکاری موجود در منطقه و نیز تورم باعث می‌شوند تا مردم به فکر جبران و رفع مشکلات اقتصادی‌شان باشند. این مردم به خاطر شرایط تورم و گرانی بالا بیشتر به سمت کار و فعالیت‌های اقتصادی‌ای هستند که بتواند بر مسأله تورم غلبه نماید و این راه تنها در دو صورت ممکن است: یا کنترل نرخ تورم که از حیثه اختیارات مردم عادی خارج است و یا این‌که درآمد اقتصادی بالایی داشته باشند که بتواند فشارهای ناشی از مسأله تورم را برای افراد خانواده نامحسوس نماید. جمعیت زیاد خانواده‌ها و ناکارآمد بودن شیوه‌های معیشتی سابق در منطقه که مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود، به مثابه جمله علت‌های اساسی در گرایش مردم به کارهای تجارت مرزی در شیوه‌های رسمی و غیررسمی آن بوده است. "س" در این رابطه می‌گوید:

«والله، عواملی مثل بیکاری، نبودن کار و اشتغال یا

مبادلات و قاچاق گرایش داشته باشند.

از دیگر مسائلی که باعث فشارهای ساختاری بر بازارچه‌ها می‌شوند، مسایلی از قبیل عدم قدرت رقابت اساسی بازار داخلی و خارجی، تقاضای بالا برای اجناس خارجی، قیمت پایین کالاها و اجناس خارجی و بسیاری دیگر از این قبیل موارد، از اهم دلایلی است که باعث می‌شوند بازارچه‌ها علاوه بر مشکلات تداخل نهادی و بی‌ثباتی سیاستگذاری‌های اقتصادی درگیر در مسایل دیگری شوند. زمانی که بازار کالاهای داخلی در داخل کشور نتواند با کالاهای خارجی به لحاظ قیمت و کیفیت رقابت نماید، تقاضای بازار داخلی برای کالاهای خارجی بیشتر از آن مقداری است که بازارچه‌ها به شیوه رسمی قابلیت ورود و خروج و صدور مجوز آن را دارند. در این حالت است که محدودیت بازارچه‌ها باعث گرایش مردم به قاچاق می‌شود. "ا" در این رابطه این‌گونه اشاره می‌کند:

«الان چندین ساله که مرز و بازارچه‌ها در میوان دایر شده و رسمیت یافته‌اند و صادرات و واردات به همه جور ممکن است، ولی چون که گمرکش کمی بیشتر و گرانتر است، پس مردم هم قاچاق می‌کنند و قاچاق تقریباً بهتر است».

"ص" نیز این مسایل را این‌گونه درک کرده، این‌طور بحث می‌کند:

«از داخل بازارچه‌ها قاچاق علناً و عموماً زیاد امکان ندارد. پس می‌ماند قاچاق و آن‌هم کولبری است و شب و قاچاق و یا با الاغ و قاطر و ماشین که قبلاً بود و الان هم سخت‌تر شده و روز به روز بیشتر می‌شود و هم اکنون هم پایان یافته است. دولت اگر بخواهد می‌تواند اصلاً قاچاق را ریشه‌کن کند و رقابت راه بیندازد میان کالاهای خارجی و داخلی، و کیفیت و قیمت را تنظیم کند و کیفیت را ببرد بالا و

قیمت را بیاورد پایین. بله می‌تواند! مواد اولیه است که دارد، همه چیز را دارد، می‌تواند، اگر کیفیت بالا باشد و قیمت پایین باشد، چه کسی می‌رود کالای خارجی وارد کند و نمی‌صرفد؛ مردم هم نمی‌خرندش. الان به نظرم ماشین خارجی گمرکش حدود ۱۰۰ درصد است. این به خاطر چیست؟ به خاطر این است که اگر ماشین خارجی با همان قیمت کشور تولید کننده وارد ایران شود، پس هیچ کسی کالای ایرانی نمی‌خرد».

شرایط محیطی و فشارهای ساختاری بیرون از پایانه‌ها به شیوه‌های غیرمستقیم باعث ایجاد تداخل کارکردی و تحقق اهداف پیشین سیاست‌گذاری‌های بازارچه‌ها می‌گردد. مجموعه متکثر و تأثیرگذار فشارهای بیرون ساختاری نهایتاً بسترهای مساعدی را برای تداوم پدیده قاچاق در منطقه، به‌ویژه از طریق بازارچه‌های مرزی مهیا ساخته است. این فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی گونه‌های ویژه‌ای از پدیده قاچاق و اقتصاد پنهان هستند که بر وضعیت معیشتی و اقتصادی منطقه و نیز بر نظام اقتصادی کشور تأثیرات منفی خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

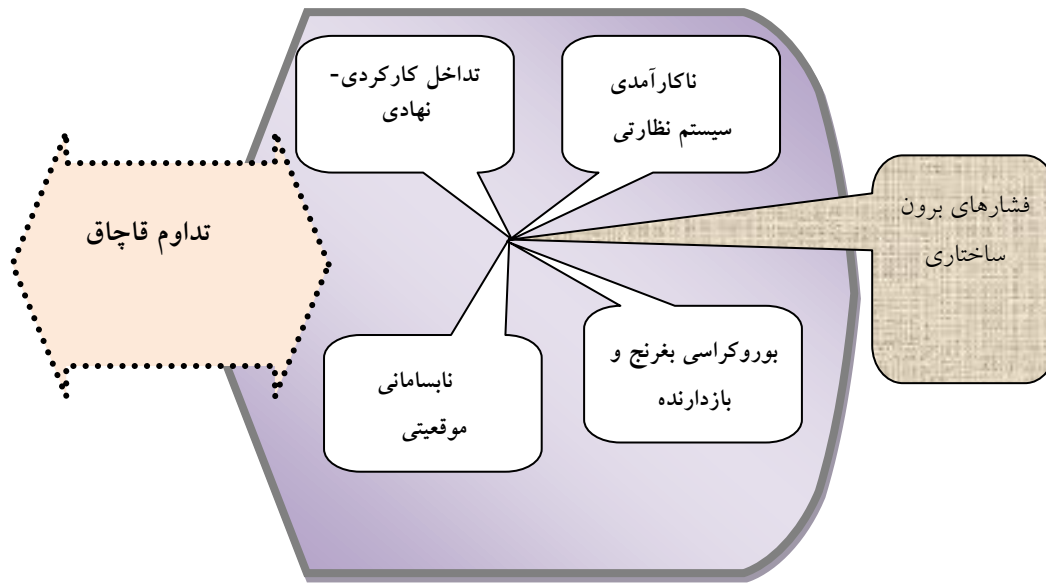
بررسی تأثیرات و پیامدهای برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات اجرا شده به شیوه‌های متفاوتی قابل پی‌گیری است. درک و تفسیر مرزنشینان از تناسب یا عدم تناسب برنامه‌ها با محیط و پیامدهای مثبت و منفی‌ای که برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های تدوین شده برای منطقه داشته‌اند، به شیوه کیفی، یکی از شیوه‌های اساسی و قابل توجه است. بازارچه‌ها در نقاط مرزی، به‌ویژه در شهرستان میوان به مثابه برساخت اجتماعی ویژه‌ای هستند که در تعامل مردم منطقه و محیط اطراف و ساختارهای دولتی منطقه شکل گرفته‌اند. بر این اساس، مردم با اتکاء بر معرفت‌شناسی

برنامه‌ریزی غیرکارشناسانه و تحقیقات نامرتبط با مردم‌شناسی و بسترشناسی نامناسب برپایی بازارچه‌ها و نیز بی‌ثباتی‌های اقتصادی و تداخلات کارکردی نهادهای درون بازارچه‌ها و بسیاری دیگر از این قبیل موارد بوده است. برپایی و اجرای کارهایی که مبتنی بر مطالعات انسان‌شناختی منطقه محور نباشد و به صورت سیاست‌گذاری‌های مرکزمدار و امنیت محور باشد، به‌ویژه در نوار مرزی، یقیناً به حداکثری از اهداف از پیش تعیین شده نایل نمی‌گردد.

بر این اساس، می‌توان گفت که بازارچه‌های مرزی در مریوان به لحاظ ارتقای معیشتی مردم منطقه بسیار مؤثر بوده، توریسم تجاری و مبادلات اجتماعی و فرهنگی زیادی را در منطقه دامن زده‌اند. اما با وجود این، بازهم پیامدهای فرهنگی و اجتماعی فراوانی را نیز برای منطقه داشته‌اند و به لحاظ پدیده قاچاق نیز هنوز مسایل فراوانی را حل نشده باقی گذاشته‌اند. همین بازارچه‌ها به اشکال متفاوتی بنابر محدودیت‌ها و مداخلات و سیاست‌گذاری‌های بی‌ثبات و متغیر، پدیده قاچاق را تنها راهکار برای فعالان اقتصادی در منطقه باقی گذاشته‌اند.

ویژه خودشان و مجموعه ارزش‌ها و هنجارهایی که مبنای عقل سلیم آنها بوده و در کنش‌های روزمره از آنها کمک می‌گیرند، اقدام به مجموعه تصمیم‌گیری و کنش و تأملاتی می‌کنند که مبنای واقعیت‌های اجتماعی زندگی روزمره‌شان می‌شود. در این مجموعه تعاملات و واقعیت‌های بسترمند و اجتماعی که مردم در آن قرار گرفته‌اند، مبادلات اجتماعی و تجارت مرزی در قالب‌های سنتی خودش از دیرباز وجود داشته است. پس از شکل‌گیری و برساخت بازارچه‌ها قالب و محتوا و شدت مبادلات مختلف در این نوار مرزی هم متغیر گشته است. از اهداف تشکیل این بازارچه‌ها، اشتغالزایی قانونی و کاهش حجم اقتصاد پنهان در منطقه، بویژه بُعد قاچاق آن اعلام شده است.

بر اساس تحقیق حاضر، میزان تأثیرگذاری و موفقیت بازارچه‌ها در این امر مهم تا حدودی چشمگیر بوده است، اما آنچه بیشتر از همه مورد نظر تحقیق بوده است، بیان این مسأله است که حضور نامناسب و بی‌برنامه این بازارچه‌ها به انواع متفاوتی بر گرایش مرزنشینان به پدیده قاچاق تأثیرگذار بوده است. این مسأله نیز ناشی از



مدل ۱- مدل زمینه‌ای تداوم قاچاق در منطقه مرزی مریوان

می‌نمایند و باعث شده‌اند تا بازارچه‌ها به سختی بتوانند به تحقق کامل یکی از اصلی‌ترین اهدافشان که همان رفع و حذف پدیده قاچاق بود، نایل گردند. تداخل کارکردی و بین نهادهای مرتبط و مسؤول در بازارچه‌ها، ضعف سیستم و مکانیسم نظارتی و کنترل تخلفات متعدد اقتصادی، تأسیس و ایجاد بازارچه‌ها در مکان‌های جغرافیایی نامتناسب به گونه‌ای غیرکارشناسانه، بوروکراسی پیچیده و بغرنج که مانع ریشه‌کن شدن گونه‌های مختلفی از کنش‌های غیررسمی اقتصادی، به‌ویژه قاچاق کالا می‌شوند و در نهایت فشارهای متعدد سازمانی و اکولوژیک و معیشتی برون ساختاری باعث می‌گردند تا پدیده قاچاق همچنان در قالب‌های تغییر یابنده مختلفی تداوم یابد و همین پدیده نیز شرایط تکوین‌دهنده پیشین خویش را بازتولید نماید.

منابع

آموسی، مجنون و رحمانی، جبار. (۱۳۸۷). «نگاهی به

همان‌گونه که در مدل ۱ تلخیص شده است، می‌توان اذعان کرد که براساس درک و تفسیر مشارکت‌کنندگان میدان تحقیق، بازارچه‌ها هرچند که به تقلیل و تحدید شیوه‌های پیشین پدیده قاچاق انجامیده‌اند، اما به سبب مشکلات متعددی که بعد از استخراج از درک و تفسیر مرزنشینان در قالب مقولاتی، چون: تداخل کارکردی نهادی، بوروکراسی بغرنج و بازدارنده، آسیب‌مندی و ناکارآمدی سیستم نظارت درونی بازارچه‌ها، نابسامانی موقعیتی، و فشارهای برون ساختاری دسته‌بندی شده‌اند، می‌توان گفت که بازارچه‌ها به شیوه‌های غیرمستقیمی پدیده قاچاق را در حالت‌های مختلف تداوم بخشیده است. نهایتاً همان‌طور که در مدل نشان داده شده است، یافته‌ها بر تأثیرگذاری پدیده متحول شده قاچاق بر عوامل برساننده خودش تأکید دارند. به عبارتی دیگر، همین پدیده کنش‌های غیررسمی قاچاق که هم اکنون در مرزها و بازارچه‌های مرزی شهرستان مریوان جریان دارند، بسترهای شکل‌گیری و تکوین خویش را مجدداً تقویت

اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی.

ریتزر، جورج. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

زنگی آبادی، علی و آهنگری، شورش. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر وضعیت و رویه‌های جاری بازارچه‌های مرزی استان کردستان (سیرانبد بانه، باشماق مریوان، سیف سقز)»، *مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها*: دانشگاه ایلام.

عبدالله پور، جمال. (۱۳۸۴). *بررسی تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین سردشت*، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

قاسم، فرج‌اللهی مجد. (۱۳۸۷). *پدیده قاچاق کالا و اثرات آن در تولید و مصرف*. <http://teacher2.parsiblog.com/-838772.htm> ، دی ماه ۱۳۹۰.

قادرزاده، امید و محمدپور، احمد و رضایی، مهدی و خدردی تاژان، بختیار و امین نژاد، کاوه. (۱۳۸۴). *سند راهبردی توسعه شهرستان بانه: فرمانداری شهرستان بانه*.

محسنی، حسن. (۱۳۸۹). «پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مصرف کالاهای خارجی و قاچاق»، اردبیل، *اولین جشنواره فرانخوان اقتصاد سالم*، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، معاونت فرهنگی و اجتماعی.

محمدپور، احمد. (۱۳۸۳). *فرایند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان سردشت)*، تهران: نامه انسان‌شناسی، شماره پنجم. محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). «بازسازی معنایی تغییرات

پدیده قاچاق در مناطق مرزی سردشت و پیرانشهر». <http://ethnolog.blogfa.com/post.17> ، آذر ماه ۱۳۹۰.

احمدی، خسرو. (۱۳۸۱). *بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی در اقتصاد استان بوشهر*، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی دانشگاه تهران.

ارمغان، سیمین. (۱۳۸۹). «جایگاه بازارچه‌های مرزی در افزایش اشتغال و کنترل قاچاق استان‌های مرزی»، *مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها، نصیری حمزه، دانشگاه ایلام*.

اسماعیل‌زاده، خالد و سعیدی، علی اصغر و آزادمنش، شهرام. (۱۳۸۷). «جایگاه فعالیت‌های معیشتی در رفاه و امنیت اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی با تاکید بر فعالیت بازارچه‌های مرزی (نمونه مورد مطالعه: غرب کشور)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۲۸-۴۶.

ایمان، محمد تقی. (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پیروبوداقی، یوسف. (۱۳۷۹). *بررسی عملکرد بازارچه‌های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات*.

حسینی، سعید. (۱۳۸۹). «بازارچه‌ها تدبیری برای معیشت مرزنشینان کردستان، ۲۷ آذر ۱۳۸۹»، *هفته نامه سیروان*، ش ۶۱۶، سال دوازدهم.

رازینی، ابراهیم و باستانی، علیرضا. (۱۳۸۱). «بررسی نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱»، *دفتر مطالعات*

چالش‌ها: دانشگاه ایلام.

نوری، جعفر و حقوقی مجد. (۱۳۸۷). پیامدهای اقتصادی و راهکارهای کنترلی پدیده قاچاق. www.journal.majdpub.com. مهرماه ۱۳۹۰.

- C, J. and S. Anselm, (2008) *Basics of Qualitative Research, Third Edition*, London: Sage Publications.
- C, John, W. (1998) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Traditions*. Sage Publications, Inc.
- G. Barney and S. Anselm, (1967) *Discovery of Grounded Theory*, Transaction Publishers.
- Glaser, Barney, (1998) *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*, Sociology Press.
- M. Amir, (2004) *A Qualitative Research in Sociology: an introduction*. SAGE Publication. London.
- N. Lawrence, (2006a) *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*, Second Edition, Allyn & Bacon.

خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: مطالعه موردی ایلات منگور و گورک»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، ش ۱۹.

موسی، سلطانی‌نژاد. (۱۳۸۹). «پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مصرف کالاهای خارجی و قاچاق»، اولین جشنواره فرابخوان اقتصاد سالم: ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، معاونت فرهنگی و اجتماعی.

نظری‌پور، محمد و معزی، فواد. (۱۳۸۹). «نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه و رونق اقتصادی مناطق مرزی (مطالعه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان)»، مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و